

تحلیل داستان پادشاه و کنیزک بر مبنای شیوه تداعی آزاد و گفتگوی سقراطی

(Free Association)

دکتر حسینعلی قبادی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مصطفی گرجی

استادیار دانشگاه پیام نور آمل

(از ص ۱۷۷ تا ۱۹۲)

چکیده:

یکی از داستانهای مثنوی که مثنوی پژوهان و مولوی‌شناسان به دلایل گوناگون بدان اهتمام ورزیده‌اند داستان پادشاه و کنیزک است و نوشتن ده مقاله در این سده که هفت مقاله آن مربوط به دهه هشتم (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ ه.ش.) است نمونه‌ای از این رویکرد می‌باشد. در این مقاله، نگارنده ضمن نقد و تحلیل و مقایسه تطبیقی مقاله‌های فوق و دلایل ضعف و قوت آنها به قرائت و بازخوانی جدیدی از داستان، دست یازیده که در مقالات گذشته بدان اشاره نشده است. تحلیل و نگاه نویسنده به داستان نه نگاه عرفانی، اخلاق پزشکی، روان پزشکی، دینی، نمایشی و جامعه‌شناسی که براساس روش ترکیب تداعی آزاد (Free Association) و التزام به رعایت اصول گفتگوی سقراطی است که طیبی الهی بر خلاف طبیبان دیگر به آن مقید و پایبند است.

واژه‌های کلیدی: پادشاه و کنیزک (تداعی آزاد، گفتگو، مثنوی معنوی).

مقدمه:

«درزند و فستا سخنانی است که هر سخنی را دروده معنی است و هر موبدی را درو قولی و تعبیری است» (طرسی، ۱۵۹).

یکی از داستانهای مثنوی که به دلایل مختلف، مورد توجه مولوی شناسان و مثنوی پژوهان قرار گرفته حکایت پادشاه و کنیزک است. این داستان از یک سو، نخستین داستان و یکی از طولانی‌ترین داستانهای مثنوی و از سوی دیگر، یکی از تأویل پذیرترین حکایات آن است که سراینده به صراحت از آن به عنوان «نقد حال خود و دیگران» یاد کرده است. این داستان سمبلیک و تمثیلی که سابقه آن به ادوار بسیار کهن بر می‌گردد به صورت مختلف در آثار ابن سینا، اسکندرنامه نظامی، چهار مقاله نظامی و... متجلی شده که هیچ کدام از آن منابعی از نظر نوع روایت داستان و تحلیل شخصیت‌ها و طرح داستانی به مانند روایت مولوی نیستند.

با این نگاه اگرچه سابقه شیوه روان‌درمانی به قبل از تاریخ (مصر باستان) بر می‌گردد که روانپزشکان به کمک ابزار و آلات مخصوص، ارواح شیطانی (Evil Spirit) را از بدن بیمار خارج می‌کردند و سقراط برای نخستین بار این نوع درمان را ارائه کرد و کسانی چون مورس بندیکت از روان‌تژیندی یا پارانوایا و بیماری‌های هیستری سخن گفتند؛ (Britanica Encyclopedia، واژه Paranoia) مولانا در این داستان با رعایت بسیاری از اصول درمان بیماری روان‌تژیندی و گفتگوی مشاوره‌ای و روش درمان بیماری‌های درونی و روانی (زاری دل) بر مشکلات درونی و شخصی بیمار، واقف شده و از طریق شیوه تداعی آزاد (Free Association) و ارتباط کلامی، فکری و عاطفی در قالب گفتگوی مستقیم به درمان بیماری کنیزک دست یازیده است.

نقد و تحلیل مجموعه مقاله‌های پیرامون نخستین داستان مثنوی:

پیش از پرداختن به مسأله اصلی این جستار به یک مسأله باید اشاره کرد که مطابق اجماع و اتفاق آراء محققان عرصه‌های گوناگون، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال و بیان یافته‌های علمی و پژوهشی در سده اخیر، مقاله‌ها و تحقیقات در قالب مقاله‌های بنیادی

(Article - Essay) هستند چرا که نقش مقاله در تبیین اکتشافات علمی روشن و مبرهن بوده و ملاک پیشرفت و تولید علم در سنجش جهانی تولید مقاله‌های کاربردی و علمی قرار گرفته است. لذا تحلیل مقاله‌های پیرامون یک موضوع به معنی نقد مجموعه اطلاعات عرضه شده در مجلات و نشریات علمی و آکادمیک بوده و آنچه در این مقاله‌ها عرضه می‌شود چکیدهٔ مجموعه یافته‌های محققان است. با این مقدمه و براساس توغل و جستجوی نگارنده در مجلات و نشریات نمایه شده در فهرست مقالات فارسی، کتابشناسی مولوی، نمایه‌ها و مجلات و...، ۱۰ مقاله دربارهٔ حکایت اخیر از آغاز تا پایان ۱۳۸۳ ه.ش. به رشتهٔ تحریر در آمده که هر کدام به جنبهٔ خاصی از حکایت توجه کرده‌اند که نخستین مقاله مربوط به سال ۱۳۵۵ ه.ش و آخرین آن مربوط به سال ۱۳۸۰ ه.ش است.

معرفی اجمالی مجموعه مقاله‌های پیرامون حکایت پادشاه و کنیزک به ترتیب تاریخی و زمانی:

- ۱- جناب زاده، محمد، «بیمار عشق؛ جلال الدین رومی پیشگام مکتب عرفان و اشراق، زیگموند فروید پژوهشگر علوم تجربی و مادی»، ارمغان، ش ۶ و ۵ و ۴، س ۵۸، دوره ۴۵، ۱۳۵۵ ه.ش.
- ۲- انوری، حسن، «ملاحظاتی دربارهٔ داستان پادشاه و کنیزک و زرگر مثنوی»، دانشگاه تربیت معلم، ش ۲، س ۱، ۱۳۵۶ ه.ش..
- ۳- نوربخش، جواد، «عرفان و روانشناسی مولانا در داستان پادشاه و کنیزک»، صوفی، ش ۹، س ۳، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۴- طغیانی، اسحاق، «سمبولیسم در کلام مولوی و تحلیل داستان شاه و کنیزک»، دانشکدهٔ علوم انسانی تربیت مدرس، ش ۸، دوره اول، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۵- وهاب زاده، جواد، «نخستین داستان مثنوی از دیدگاه اخلاق پزشکی (با نگاهی گذرابر تفسیر عرفانی دکتر عبدالحسین زرین کوب)»، تماشای زندگی، ش ۶ و ۷، س ۴، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۶- اعرابی، غلامحسین، «ساز راه تبلیغ در نگرش مولانا»، ارم، ش ۱، ۱۳۷۶ ه.ش.

۷- حاتمی، علی، «سلطان و کنیزک (مثنوی به روایت علی حاتمی)»، فیلم، ش ۲۱۵، س ۱۶، ۱۳۷۶ ه.ش.

۸- مقدادی، بهرام، «سرگذشت زن ایرانی در گذشته تاریخی (کنیزک و پدر سالار مولانا)»، کیمیای سخن، ش ۹، س ۹، ۱۳۷۸ ه.ش.

۹- حائری، محمد حسن، «دانه معنی»، زبان و ادب (دانشگاه علامه طباطبایی)، ش ۱۳، ۱۳۷۹ ه.ش.

۱۰- ایزدی، پریسا، «مردی که دفتر عقل را در مکتب عشق به یک سونهاد»، صوفی، ش ۵۲، ۱۳۸۰ ه.ش.

در مقاله نخست، «بیمار عشق؛ جلال الدین رومی پیشگام مکتب عرفان و اشراق، زیگموند فروید پژوهشگر علوم تجربی و مادی» نویسنده از یک سو به نظریه فروید درباره غریزه و عقده جنسی و مقایسه آن با داستان پادشاه و کنیزک می پردازد و از سویی دیگر به طرح سؤالاتی پیرامون مسائل متناقض نما در داستان پرداخته و در نهایت به آن سؤالات پاسخ می دهد. مهمترین این سؤالات، چرا این هجران کنیزک از زرگر، چرا بی کشتن زرگر و دلیل سپردن کنیزک به زرگر است. این مقاله فاقده نتیجه گیری و تحلیل نهایی است. مهم ترین نکته که این مقاله به آن اشاره کرده، مقایسه عشق مندرج در داستان با نظریه غریزه جنسی فروید است و فاقد تفسیر و تأویل سمبل ها و شخصیت های داستان است.

در مقاله دوم «ملاحظاتی درباره داستان پادشاه و کنیزک و زرگر مثنوی» نویسنده ضمن نقل خلاصه داستان به توصیف اجزای آن گانه آن می پردازد. مهم ترین این اجزاء عشق شاه به کنیزک، بیماری کنیزک، توسل شاه به طبیبان، خواب شاه، طبیب غیبی و... است به عقیده مؤلف، این داستان به صورت دیگر در آثاری چون فردوس الحکمه علی بن ربن طبری، عبون الاخبار ابن قتیبه، قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی، چهار مقاله نظامی عروضی، آثار البلاذ زکریای قزوینی، مصیبت نامه و اسکندرنامه نظامی نیز آمده که مأخذ احتمالی مولانا کتاب اخیر بوده است. نویسنده در ادامه به مقایسه روایت

مولوی با آثار اخیر می‌پردازد و اجزاء نه گانه داستان را به صورت تطبیقی با توجه به مآخذ گذشته نقد و تحلیل می‌کند. در بخش سوم، مؤلف به دفاع مولانا از خود و عمل حکیم الهی و شاه اشاره می‌کند و عمل حکیم را با توجه به داستان خضر و موسی در قرآن، موجح و الهی می‌داند؛ اگر چه مولوی به علت قتل زرگر توسط حکیم اشاره‌ای نکرده است. نویسنده در بخش دیگری از مقاله به جنبه غنایی داستان می‌پردازد که جنبه تعلیمی را با جنبه غنایی در آمیخته است. بخش پنجم مقاله به اصل تداعی معانی در داستان اختصاص دارد که مباحث مختلف کلامی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی و... با آن در آمیخته است. نویسنده در آخرین بخش مقاله به جنبه تمثیلی داستان می‌پردازد و با استناد به نظر ملاهادی سبزواری، شاه را سمبل عقل (جزئی) و کنیز را رمز تن یا نفس جزئی و بالاخره طبیب غیبی را نماد مرشد کامل یا عقل کلی می‌داند. مقاله حاضر مقاله‌ای تحلیلی و انتقادی است. ضمن اینکه شیوه بیان مقاله، استدلالی و استنادی و روش نقل مستندات به صورت مستقیم، موجز و مفید است.

در مقاله سوم، «عرفان در روانشناسی مولانا در داستان پادشاه و کنیزک» مؤلف ضمن بیان جایگاه عرفان در شناخت انسان و آلام و بیماری‌های روحی بشر، به تأویل نخستین داستان مثنوی و تفسیر سمبل‌های آن می‌پردازد. از نظر نویسنده، مولوی بعد از دیدار با شمس به شناختی از روان آدمی نائل آمده و در قالب قصه به درمان بیماری‌های روحی بشر دست بازیده است. قصه پادشاه و کنیزک، یکی از آنهاست که مولانا به نکاتی چون دشواری مداوای روح، ضعف بشر و پناه بردن به ماوراءالطبیعه، رؤیای خالصانه، تجلیل از عشق، طمع در مال دنیا و فریفتگی زر و زور و... اشاره کرده است. مؤلف، هر کدام از شخصیت‌های سمبلیک داستان را تأویل کرده که بر این اساس، شاه، کنیزک، پزشکان، پزشک الهی، زرگر، دارو همراهان شاه به ترتیب سمبل روح، دل، عقل، پیر طریقت، نفس، ریاضت و عشق مغرفی شده است. این مقاله یک مقاله توصیفی صرف و فاقد نتیجه‌گیری است.

در مقاله چهارم، «سمبولیسم در کلام مولوی و تحلیل داستان شاه و کنیزک نویسنده

به تحلیل یکی از مکاتب هنری و ادبی (سمبولیسم) پرداخته و جایگاه آن را در مکاتب هنری غرب بررسی می‌کند و در ادامه به سابقه رمز و تمثیل در ادبیات فارسی می‌پردازد و خاستگاه آن را قرآن کریم می‌داند. در بخش دیگر یاز مقاله، مؤلف به نقش تمثیل داستانهای تمثیلی و سمبلیک در ادبیات فارسی اشاره و جایگاه آن را در مثنوی معنوی تفسیر می‌کند. سپس در بخش پایانی به تفسیر سمبلیک نخستین داستان مثنوی می‌پردازد و هر کدام از شخصیت‌ها را نماد یک حقیقت ذهنی دیگر می‌داند. پادشاه در این داستان، سمبل انسان کامل، پیامبر و یا خداوند بوده و کنیزک، خواب‌پیر، عالم خواب و زرگر به ترتیب رمز نفس، انسان کامل، لطف الهی، دنیا و تعلقات آن معرفی شده است. مطابق این داستان سمبلیک، راه کمال و وصول به سعادت انسان در این است وی نفس (کنیزک) خود را بشناسد و به تربیت خویش - نه سرکوب کردن - تحت نظر شیخ و مرشد (پیر) همت‌گمارد و ماهیت پلید دنیا را با ارشاد او دریابد.

در مقاله پنجم، «نخستین داستان مثنوی معنوی از دیدگاه اخلاق پزشکی با نگاهی گذرا بر تفسیر عرفانی دکتر زرین کوب» مؤلف به تحلیل و تفسیر نخستین داستان مثنوی با نگرش اخلاق پزشکی می‌پردازد و نکات مندرج در آن را با برخی از آموزه‌های اخلاق پزشکی منطبق نمی‌داند. نویسنده بعد از نقل خلاصه و مآخذ داستان (فردوس الحکمه، عیون الاخبار دینوری، چهار مقاله، ذخیره خوارزمشاهی جرجانی و اقبال نامه) به نقد تفسیر عرفانی زرین کوب می‌پردازد و آن را مبهم می‌داند. در پایان به نقد حکایت مولوی پرداخته و ضمن بیان برخی از نکات اصول پزشکی در داستان (راز داری طیب الهی، صبر و گوش سپردن به سخن بیمار) کشتن بیمار را بر خلاف اخلاق پزشکی و سوگندنامه بقراط می‌داند. مقاله حاضر، تحلیلی و انتقادی بوده و به نظر، مؤلف بر تمام جنبه‌های موضوع و مباحث مندرج در داستان و تفسیر رمزی زرین کوب اشراف نداشته و به بیراهه رفته است چرا که بر مبنای تفسیر دکتر زرین کوب، پادشاه، سمبل خدا و کنیزک، رمز روح عارف (مولانا) و عیش زرگر نماد تعلقات دنیوی است و اینکه پادشاه در بخشی از داستان پابره‌نه به مسجد می‌رود منافاتی با نظر دکتر زرین کوب ندارد چرا

که در این داستان شخصیتها سمبلیک بوده و سمبل در زیباشناسی هنری و علم بیان حدود خاص خود را دارد و مهم‌ترین مشخصه آن بر خلاف استعاره و تمثیل، چند پهلو بودن و عدم ثبات در معنای ویژه است.

مقاله ششم «سازراه تبلیغ در نگرش مولانا» در دو بخش (دردشناسی و واعظ ظاهر و باطن) به ویژگی‌های مبلّغ در مبارزه با تهاجم فرهنگی اختصاص دارد و تنها از ابیات داستان حاضر به عنوان شاهد مثال بهره برده است. بنابراین فاقد نقد و تحلیل خود داستان و تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی است. این مقاله، فاقد طرح و ارتباط دقیق و منطقی ابیات و نکات مطرح شده بوده و عنوان مقاله تناسبی با موضوع بحث ندارد.

در مقاله هفتم، «سلطان و کنیزک» مؤلف به بازنویسی داستان سلطان و کنیزک مثنوی به زبان نمایش می‌پردازد و ضمن تقسیم داستان به ۱۸ فصل به جرح و تعدیل اصل داستان پرداخته تا از قالب یک اثر روایی صرف به اثر دراماتیک درآید. در فصول بنیاد شده مکانهای داستان، صحنه‌های بیرونی و درونی قصر، خوابگاه، محراب، خوابگاه کنیزک، اتاق زرگر و زمان وقوع حادثه در روز، شب، سحر و غروب است. ضمن اینکه ۱۴ شخصیت در نمایش به ایفای نقش می‌پردازند که شخصیت‌های اصلی آن؛ پادشاه، زرگر، کنیزک، طبیبان، درویش هستند. البته این مقاله توصیفی بوده و فاقد تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی است.

در مقاله هشتم، «سرگذشت زن ایرانی در گذشته تاریخی و حکایت کنیزک و پدر سالار مولانا» مؤلف، ضمن نقل خلاصه داستان پادشاه و کنیزک و معرفی شخصیت‌های داستانی، به مهم‌ترین و رایج‌ترین تفسیر پیشینیان درباره حکایت فوق می‌پردازد. بر این اساس، شاه، رمز انسان عارفی است که گرفتار کنیزک نفس شده است؛ آن نفسی (کنیزکی) که خود دل درگرو زرگر (دنيا) بسته است. در نهایت، شاه به کمک راهنمایی پیر (حکیم) به مقصود خویش (نابود کردن دنیا و کنترل نفس) نائل می‌شود. نویسنده در ادامه با نگاه ساختارشکنانه و طرح دو سؤال، تفسیر ثوی از آن ارائه می‌دهد. به نظر او، این داستان بر مبنای دو اصل تفکر پدرسالارانه و اندیشه حکومت مطلق و خودکامه

شاه) از یک سو و تسلیم و سرسپردگی محض زن (کنیزک) در مقابل مرد (پدر یا شوهر) از سوی دیگر، قابل تحلیل و تفسیر است. به نظر مؤلف، عشق پادشاه به کنیزک مانند عشق زرگر به او بوده و هیچ قرینه‌ای بر الهی بودن نخستین و جسمانی بودن دومی وجود ندارد. از سوی دیگر، کشتن زرگر نیز فاقد حجیت لازم بوده و در خور تأمل است. براساس این دو سؤال (مسأله) و بر مبنای نظام ارباب و رعیتی و فرهنگ گذشته، راوی داستان تماماً پادشاه انتخاب شده و کنیزک در حالت انفعالی قرار گرفته که هیچ اراده‌ای از خود ندارد. البته مقاله حاضر کاملاً ابداعی و تحلیلی بوده، ضمن اینکه شیوه بیان مقاله، استدلالی و انتقادی و نوع نگاه آن به داستان ساختار شکنانه (Deconstruction) است. در مقاله نهم، «دانه معنی» مؤلف، ضمن توصیف مفهوم عشق از دیدگاه سقراط، افلاطون، ابن عربی و... به توصیف حقیقت عشق در نظر مولوی با توجه به داستان پادشاه و کنیزک می‌پردازد و عشق حقیقی را مبتنی بر معرفت می‌داند.

در مقاله دهم، «مردی که دفتر عقل را در مکتب عشق به یک سو نهاد» نویسنده به ادوار سه‌گانه حیات مولانا (از آغاز تا سال ۶۴۲-۶۴۲ تا ۶۴۵ تا ۶۷۲) پرداخته و مثنوی را حاصل دوره سوم، دیوان شمس را ثمره دوره دوم و مجالس سبعه را ثمره دوره اول می‌داند. در ادامه به تفسیر داستان می‌پردازد و پادشاه را رمز خود مولانا، کنیزک را سمبل تمایلات درونی او، طبیبان را عقل و طبیب الهی را شمس می‌داند. مقاله حاضر، تحلیلی و توصیفی بوده و فاقد چکیده و مقدمه جامع و نتیجه‌گیری است.

نقد و تحلیل مقاله‌ها با نگاه تطبیقی

از میان ده مقاله نقد و بررسی شده، ۷ مقاله مربوط به دهه هشتم (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ ه.ش.) بوده که مقاله نخست این بخش در سال ۱۳۵۵ ه.ش و مقاله آخر در سال ۱۳۸۰ ه.ش. نوشته شده است. مباحث عمده و مشترک این مقاله‌ها اشاره به خلاصه داستان (۲، ۳، ۴، ۵، ۸)، مأخذ و منابع مولوی در سرودن داستان (۲، ۵، ۸)، تفسیر و تأویل شخصیت‌های داستان (۲، ۳، ۴، ۸) اشاره به جنبه‌های روانشناختی و پزشکی داستان (۱)، (۳، ۵) و اشاره به حکمت و علت قتل زرگر (۱، ۲، ۵، ۸) است. ضمن اینکه مقاله ۲، ۳،

۴ و ۱۰ داستان را تأویل عرفانی؛ مقاله ۱ و ۵ تفسیر روانشناختی و پزشکی؛ مقاله ۶ تفسیر مذهبی و ابزاری و مقاله ۷ تفسیر نمایشی و دراماتیک؛ مقاله ۸ تفسیر جامعه‌شناختی و انتقادی و مقاله ۹ تفسیری عاشقانه کرده‌اند که مقاله اول هر بخش بر مقاله‌های دیگر، تقدّم رتبی و تاریخی دارند اما از نظر تقدّم رتبی و تشریفی در بین تمام مقاله‌های این بخش، مقاله ۸ به دلیل نوع نگاه و روایت و بازخوانی تازه داستان، بدیع و قابل توجه بوده که ضمن نگاه انتقادی به تمام تفسیرهای عرفانی گذشته و با توجه به قرائن درون متنی و بیرون متنی، تفسیر عرفانی داستان را نمی‌پذیرد و تفسیر جامعه‌شناختی آن را بر تفسیر عرفانی ترجیح می‌دهد. از نظر محتوایی نیز در بین مقاله‌های این بخش، مقاله ۶ و ۹ فاقد نکته تازه است و مقاله ۸، ۱۰، ۲ و ۵ به ترتیب از سایر مقاله‌ها دقیق‌تر و علمی‌تر بوده که به نکات جدیدی اشاره کرده‌اند. با نگاهی دیگر به این مقاله‌ها چنین بر می‌آید که مقاله ۱، ۵، ۶، ۷ و ۹ بدون رویکرد به تفسیر سمبل‌ها به نقد اجمالی و کلی داستان پرداخته‌اند در حالی که مقاله ۲، ۳، ۴، ۸ و ۱۰ علاوه بر نقد و تحلیل داستان به تأویل و تفسیر سمبلها و شخصیت‌های آن نیز اهتمام ورزیده‌اند و وجه مشترک این مقالات در این است که مقاله ۲، ۳، ۴، ۸ و ۱۰ تقریباً سمبلها را یکسان آورده‌اند. روایت و قرائتی دیگرگون از داستان پادشاه و کنیزک

روش تداعی آزاد؛ شیوه درمانی طبیب الهی در نخستین داستان مثنوی:

یکی از شیوه‌های درمانی بیماران در علم روانشناسی و یکی از اصول اساسی روانکاوی استفاده از روش تداعی آزاد و تداعی واژه‌ها در حالت گفتگوی مستقیم است. تداعی آزاد «هرگونه تداعی یا همخوانی با زمینه تقارن یا تشابه است که افکار و کلمات به صورت آزاد و به دور از فشار و اجبار توسط آزمودنی ادا می‌شود». (برنگ، ۱۷۰) این روش در قرن نوزدهم توسط فروید به صورت خاص شایع شد و در زمینه‌های گوناگون روانشناسی به کار رفت. در این روش، روانکاواز آزمودنی (بیمار) می‌خواهد بدون توجه به بی‌ربطی و بی‌اهمیتی مطالب، هر آنچه را که به ذهنش می‌رسد بدون سانسور با آزادی و صداقت بیان نماید. (برافکاری، فرهنگ جامع روانشناسی روانپزشکی، ج ۱، ذیل واژه تداعی

آزاد) البته فروید این روش را نه با نام تداعی که به زبان آلمانی، تجاوز (Intrusion) و تهاجم (Invasion) می‌نامید. او در این روش کشف کرد خاطرات بیمار همواره با تجارب کودکی او پیوند دارد که البته بسیاری از این خاطرات سرکوب شده به مسائل جنسی مربوط می‌شود. (نرلتز، ص ۲۴۰)

حکایت نخستین مثنوی معنوی همچنانکه در گذشته بیان شد با دیدگاه‌های مختلف، نقد و تفسیر شده که مقاله‌های یاد شده نمونه‌ای از این رویکردهاست. نگرش به این حکایت با نگاه روانکاوانه صرف و با روش تداعی آزاد (روش درمانی ترکیب تداعی آزاد فرویدی و گفتگوی سقراطی) یکی از این تحلیل‌هاست که مقاله حاضر سعی می‌کند با این رویکرد این حکایت را تحلیل کند.

نگاه ساختاری به کمیّت ابیات نشان می‌دهد که از مجموعه ابیات دو بیست و پانزده گانه آن تنها نود و چهار بیت در ارتباط مستقیم با حکایت بوده و بقیه تداعی آزاد معانی و جریان سبّال ذهنی است و مولانا به دنبال یک لفظ یا مفهوم از داستان اصلی خارج شده است. همچنین بر خلاف نظر مقاله هشتم، شخصیت اصلی و کارسازانه، پادشاه که طبیب الهی است که گره داستان به وسیله او گشوده می‌شود. با این انگاره، طبیب الهی بر خلاف طبیبان مدعی که هر چه از علاج و از دوا کردند باعث افزونی رنج بیمار شده، با روش تداعی آزاد کلمات و با رعایت لوازم و شرایط گفتگوی سقراطی به درمان آن آزمودنی (بیمار) دست یازیده و البته به جز چند مورد اختلاف در جهان بینی و تفاوت در انگیزه عمل، مشابه همان اصلی است که در روانکاوی امروزه از آن با عنوان (Free Association) یاد می‌شود. مهم‌ترین اصول گفتگوی طبیب با بیمار، علاوه بر روش تداعی آزاد مؤلفه‌هایی است که طبیب بر خلاف طبیبان مدعی در سراسر گفتگوی خود با بیمار بدان پای بند و ملزم است. اصولی چون توجه به ماقال، آزادی نام در گفتار، سکوت و گوش دادن، کشف زبان محرمی علاوه بر زبان مرسوم، صداقت در کلام، پرهیز از پیش داوری و قضاوت شتاب‌زده در آغاز گفتگو، خویش‌ن‌داری و احساس امنیت و عدم خوف از عواقب گفتگو و... بخشی از این مؤلفه‌های گفتگو است که

بارزترین و مؤثرترین این اصول، مؤلفه اخیر است و مولانا به صورت ذیل از زبان طبیب بیان می‌دارد:

«گفت ای شه خلوتی کن خانه را
کس نداند گوش در دهلیزها
دور کن هم خویش و هم بیگانه را
تا بپرسم زین کنیزک چیزها.
خانه خالی ماند و یک دَبّار، نه
جز طبیب و جز همان بیمار، نه
شادباش و فارغ و آمن که من
آن کنم با تو که باران با چمن»

(مولوی، ص ۲۴)

نکته قابل توجه اینکه مولانا در این حکایت بر خلاف صحنه اول داستان (مواجهه طبیبان مدعی با کنیزک) آگاهانه و نعمداً گفتگوی میان طبیب و کنیزک برقرار می‌کند که این اصول با دقت تمام در آن رعایت شده است:

- یکی از ویژگی‌ها و شرایط یک گفتگوی راهبر و راهگشا، بهره‌گیری از منطق پرسشگری است که در صورت رعایت سایر لوازم گفتگو، اهمیت و ارزش انکارناپذیر خواهد داشت:

«زان کنیزک بر طریق داستان
باز می‌پرسید حال دوستان
گفت چون بیرون شدی از شهر خویش
در کدامین شهر بودستی تو بیش
گفت کوی او کدام است در گذر
او سر پل گفت و کوی غاتفر»
(همان، ص ۲۵)

- گوش دادن ارادی و آگاهانه یکی دیگر از شرایط گفتگوی سقراطی است که افلاطون در آثار خویش سقراط را در موضع آن قرار می‌دهد؛ چرا که فربه شدن آدمی به قول حکما، نه از راه نوش که از راه گوش و شنیدن خواهد بود.

«سوی قصه گفتنش می‌داشت گوش
سوی نبض و جستش می‌داشت هوش»
(همان، ص ۲۵)

- رازداری و حفظ اسرار نیز یکی دیگر از شرایط کمال و کافی یک گفتگو است که مولانا آن را یکی از ویژگی‌های گفتگوی طبیب و کنیزک ذکر می‌کند:

هان و هان این راز را باکس مگو گرچه از توشه کند بس جست و جو» و...
(همان، ص ۲۵)

علاوه بر لحاظ شدن ویژگی های گفتگو در این داستان و آنهم تنها در گفتگوی طبیب یا بیمار؛ هر کدام از شخصیت های داستانی در دستگاه معرفت شناختی تداعی آزاد فرویدی، محلی از اعراب خواهد یافت چرا که در آن نظام نیز ملاک و محور بحث، گفتگوست. با این نگاه می توان پادشاه را سمبل من و نهاد (ago) و انسان خود شکفته و به کمال رسیده ای دانست که تمام حاجات دنیوی و اخروی او برآورده شده است. به همین جهت، مولانا او را صاحب دنیا و آخرت می داند:

«بود شاهی در زمانی پیش از این ملک دنیا بودش و هم ملک دین»

(همان، ص ۲۰)

کنیزک نیز سمبل علایق جسمانی و تعلقات نفسانی پادشاه (نهاد و من) و روان رنجوری (پارانویا) است که گرفتار علایق گذشته و حال و تعارض های جنسی (به تعبیر فروید) زمان حال خود (پادشاه) از یک سو و دوران گذشته خویش (زرگر) از سوی دیگر شده که در هر دو صورت، وابسته به زرگر در مرحله نخست (عاشق) و پادشاه در مرحله دوم (معشوق) است.

طبیب غیبی نیز در حکم یک روانکاو امین و مشاور معتمد و آگاه از راه و رسم گفتگوی با غیر است که برخلاف طبیبان دیگر که بدون شناخت درد واقعی و گفتگو با بیمار و تنها با نشانه های صوری دارد را بیشتر کردند؛ مشکل او را از طریق گفتگو ریشه یابی کرده و به کمک گفتگوی مستقیم و تداعی آزاد به درد واقعی کنیزک پی می برد:

«زان کنیزک بر طریق داستان باز می پرسید حال دوستان

با حکیم او قصه ها می کرد فاش از مقام و خواجگان و شهر و باش»

(همان، ص ۲۵)

طبیب در هیأت یک روانکاو امروزی و با ابزار گفتگوی مشاوره ای (Consulate) به این نتیجه می رسد که حافظه کنیزک روان رنجور، فراتر از حادثه دل بستگی پادشاه به او، به

علقهٔ دنیوی دیگری گرفتار است. لذا با روش گفتگو در قالب تداعی آزاد سعی می‌کند کنیزک را از گذشته به حال برد و گذشته و خاطرات و حوادث فراموش شدهٔ او را به خاطرش آورد. ارتباط این خاطرات با انگیزه‌های جنسی و تجربیات عاشقانهٔ کنیزک در گذشته و استفاده از یکی از اصول سه گانهٔ ارسطویی (تقارن و تشابه) که بعدها در روانشناسی کاربرد گسترده‌ای یافت، ذهنیت خوانندهٔ اموزی را به دیدگاه روانکاوان مشهور سدهٔ اخیر چون فروید سوق می‌دهد چرا که فروید نیز مهار کردن این دسته از خاطرات را به علت رابطه با تجربیات جنسی و اتفاقات دردناک در زندگی بیمار و خاطرات سرکوب شده مربوط به عقدهٔ جنسی می‌داند که به خاطر آوردن مجدد این تجارب، موجب بروز هیجانانگیزی، تعارضات اخلاقی، احساس خود ملامت‌گری یا ترس از تنبیه می‌گردد. تجاری که غالباً با مقاومت (Resistance) و واپس زدن (Repression) بیمار، همراه خواهد بود. (پروانکاری، پیشین، ذیل واژهٔ تداعی آزاد) البته قبل از فروید «گالتون» (برادرزاده داروین) نیز با روش تداعی آزاد به این نتیجه رسیده بود که کلمات، بستر فکری انسان را آشکار می‌سازد و کالبد ذهنی او را با صراحت به معرض نمایش می‌گذارد. (رزم آرا، ص ۴۳ نتیجه:

داستان یاد شده، چونان بسیاری از حکایات سمبلیک، این قابلیت را داشته و دارد که به مصداق گفتار شمس تبریزی که «هر کسی کلام خود را معنی می‌کند و می‌گوید کلام خدای را معنا می‌کند» (تبریزی، ص ۸۸) در معرض تأویلهای گوناگون قرار گیرد و به دلیل قابلیت تمثیلی و سمبلیستی بیشترین توجه و اقبال مثنوی پژوهان را به خود (از میان کلیهٔ داستانهای مثنوی) جلب کند.^۱ با این وجود، مقاله حاضر با تأکید بر یکی از شخصیت‌های داستان (طیب الهی) تفسیر و تأویلی جدید از داستان ارائه کرده که شخصیت داستانی فوق به تمام لوازم و شرایط یک گفتگوی سالم از یک سو و قواعد تئوری تداعی آزاد (Free Association) از سویی دیگر ملتزم است.

مقایسه اجزائی و تطبیقی نوع تفسیر و تأویل شخصیت‌های داستان در مقاله‌های گذشته و مقاله حاضر

| شماره مقاله | نوع تفسیر و نگاه به داستان | نشاء | کنیزکی | طیب نفس | خواب | پزشکان | دارو | زرگر | همراهان شاه |
|-------------|--|---|--|---|--------------------------|---------------------|-----------------------|-------------------------|-------------|
| ۱ | روایت‌شناسی | عقل جزئی | تن و نفس جزئی | مرشد و عقل کلی | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۲ | عرواقی | عقل جزئی | جزئی | پیر طریقت | عقل | عقل | ریاضت | نفس | عشق |
| ۳ | عرواقی | روح | دل | انسان کامل | لطف الهی | عقل | عقل | نفس | عقل |
| ۴ | عرواقی | انسان کامل و پیامبر و خدا | نفس | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۵ | پزشکی | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۶ | تفسیر دینی و مذهبی | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۷ | تفسیر نمادین | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۸ | تفسیر و نقد جامعه‌شناختی - سیاسی | ۱. انسان خردگام ۲. انسان پیرسالارانه | ۱. نفس ۲. متغیر و سر سیرده محض | پیر | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۹ | عاشقانه بر محور عشق | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| ۱۰ | عرواقی | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل | عقل |
| مقاله حاضر | ترکیب روش گشتگری سقراطی و نمادی آزاد فروریدی | من (بهاد) سیبل انسان رشد یافته (ago) | شخصیت روان رنجور (پارانویا) و مشاور امین؟ نماد مادر | فرامن (super ago) و مشاور امین؟ نماد پیر | تجلی‌گاه ایصال سرکوب شده | درمانگر کتابخانه | درمانگران کتابخانه | تجربیات گذشته کنیزکی | عقل |

پی نوشت:

۱- در میان مجموعه مقاله‌ها، پیرامون داستانهای مثنوی، داستان پادشاه و کنیزک با ۱۰ مقاله چاپ شده در مرتبه اول و داستان طوطی و بازرگان با ۶ مقاله در مرتبه دوم قرار دارد.

منابع:

- ۱- اعرابی، غلامحسین، «ساز راه تبلیغ در نگرش مولانا»، ارم، ش ۱، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۲- انوری، حسن، «ملاحظاتی درباره داستان پادشاه و کنیزک و زرگر مثنوی»، دانشگاه تربیت معلم، ش ۲، س ۱، ۱۳۵۶ ه.ش.
- ۳- ایزدی، پارسا، «مردی که دفتر عقل را در مکتب عشق به یک سو نهاد»، صوفی، ش ۵۲، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۴- پورافکاری، نصرت‌الله، فرهنگ جامع روانشناسی روان پزشکی، فرهنگ معاصر، سوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۵- تبریزی، شمس، مقالات شمس، جعفر مدرس صادقی، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
- ۶- جناب زاده، محمد، «بیمار عشق جلال‌الدین رومی پیشگام مکتب عرفان و اشراق زیگموند فروید پژوهشگر علوم تجربی و مادی»، ارمغان، ش ۶ و ۵ و ۴، س ۵۸، دوره ۴۵، ۱۳۵۵ ه.ش.
- ۷- حائری، محمد حسن، «دانه معنی، زبان و ادب (دانشگاه علامه طباطبائی)»، ش ۱۳، ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۸- حاتمی، علی، «سلطان و کنیزک (مثنوی به روایت علی حاتمی)»، فیلم، ش ۲۱۵، س ۱۶، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۹- شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز، نظریه‌های شخصیت، یحیی سید محمدی، نشر نی، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۱۰- طغیانی، اسحاق، «سمبولیسم در کلام مولوی و تحلیل داستان شاه و کنیزک»، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس، ش ۸، دوره اول، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۱۱- طوسی، خواجه نظام الملک، سیاست نامه، هیوبرت دارک، چاپ چهارم، نشر بنگاه، تهران، ۲۵۳۵ ه.ش.
- ۱۲- مقدادی، بهرام، «سرگذشت زن ایرانی در گذشته تاریخی (کنیزک و پدر سالار مولانا)»،

کیمیای سخن، ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۳- کیمیای سخن، چاپ اول، هاشمی، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۴- مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد نیکلسون، چاپ اول، انتشارات نگاه، ۱۳۷۳ ه.ش.

۱۵- نوربخش، جواد، «عرفان و روانشناسی مولانا در داستان پادشاه و کنیزک»، صوفی، ش ۹، س ۳، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۶- وهاب زاده، جواد، «نخستین داستان مثنوی از دیدگاه اخلاق پزشکی (با نگاهی گذرا بر تفسیر عرفانی دکتر عبدالحمین زرین کوب)»، تعاشای زندگی، ش ۶ و ۷، س ۴، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۷- یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبولهایش، محمود سلطانی، چاپ سوم، جامی، ۱۳۸۱ ه.ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی